

نقش خانواده در تعمیق باورهای دینی فرزندان

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرسول آهنگران*

اشاره

ازدواج، زیباترین قرارداد و والاترین بنیادی است که دوسوی آن رازن و مرد تشکیل می‌دهد. ثمره این قرارداد، پدیدآیی نسلی است که در صورت تربیت و پرورش صحیح، قادر خواهد بود جامعه‌ای را متحول سازد و با پیمودن بالاترین مدارج کمال و قرب به خداوند، با نفسی مطمئن به سوی منزلگاه ابدی خویش پرواز کند. خانواده، به‌ویژه دامان پُرمهر مادر، نخستین پرورشگاه تربیت انسان است؛ تا جایی که منشأ سعادت و شقاوت انسان را باید در رحم مادر دانست. پدر و مادر، به‌عنوان ارکان شکل‌دهنده شخصیت فرزند، نقشی اساسی را بر عهده داشته، با همتی که در راستای تربیت صحیح و تعمیق و پرورش باورهای دینی به کار می‌گمارند، آینده توأم با سعادت جامعه و به تبع آن، آینده نیک جهان را ضمانت می‌کنند؛ تا جایی که صاحب‌نظران، محک توسعه‌یافتگی کشورها را شیوه آموزش و پرورش و میزان اهتمام به رشد و شکوفایی اخلاقی کودکان برشمرده‌اند.

* دانشیار دانشگاه تهران.

نقش انکارناپذیر خانواده

در روان‌شناسی تربیتی، نظریات گوناگونی درباره تأثیر محیط و وراثت در تربیت انسان مطرح است. جان لاک، فیلسوف بریتانیایی (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴م)، کودک را به صورت لوح سفیدی در نظر داشت و بر طبق دیدگاه وی، کودکان در ابتدا چیزی نیستند و تجربه، به شخصیت آنها شکل می‌دهد. این نظر، نشان می‌دهد که او طرف‌دار تربیت نیروی محیط در شکل دادن کودک بود. از دیگر سو، ژان‌ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸م)، فیلسوف فرانسوی، مدعی شد که کودکان به صورت وحشی‌های اصیل به طور طبیعی از موهبت درک صحیح و غلط و برنامه‌ای نظری برای رشد منظم و سالم برخوردارند و آموزش بزرگسالان، تنها کاری که می‌کند این است که به درک اخلاقی فطری و روش‌های منحصر به فرد تفکر احساس کودکانه صدمه می‌زند.^۱

این دو تفکر، نخستین جرقه‌های تربیت و شیوه نگرش به آن را در جوامع بشری نشان می‌دهد. امروزه، با تلفیق این دو نظریه، رویکردهای متفاوتی را می‌توان در زمینه تربیت مشاهده کرد. دین مبین اسلام، هزار و چهارصد سال و اندی پیش، نقش تربیت و وراثت را به صورت توأمان در نظر داشته و به نقش عرق (ژن) در انتقال ویژگی‌های ارثی اشاره کرده است و همچنین، بسیاری از عواملی را که در رشد شخصیت و تربیت فرد تأثیر دارد و از طریق تجربه و با ابزارهای محدود بشری دست‌نیافتنی است، بیان نموده است. شارع مقدس به دلیل احاطه کاملی که بر تمامی عوامل و عوامل دارد، برنامه تربیتی کاملی را در اختیار بشر قرار داده است.

در این نوشتار، به تبیین مراحل شکل‌گیری باورهای دینی در فرزندان و شیوه نهادینه‌سازی آنها از منظر آیات و روایات می‌پردازیم.

نقش خانواده در شکل‌دهی و تثبیت باورهای دینی

نقش خانواده بر تربیت دینی فرزندان، در دو مرحله از فرآیند رشد صورت می‌گیرد:

۱. مرحله شکل‌دهی به باورهای دینی که به صورت غیرمستقیم بوده و ناخودآگاه بر ضمیر و نهان کودک تأثیرگذار خواهد بود.
۲. مرحله تثبیت و نهادینه‌سازی تربیت و باورهای دینی که در قالب آموزش و به صورت مستقیم بوده و فرد تحت تربیت با توجه به یافته‌های خود از محیط و اطرافیان به درون‌سازی باورهای

۱. لورا برک، روان‌شناسی رشد، ص ۲۱.

خویش می‌پردازد.

مراحل شکل‌دهی به باورهای دینی

به طور کلی، مراحل شکل‌گیری باورهای دینی عبارت‌اند از:

۱. انتخاب همسر

اسلام آغاز تربیت فرزند را در دوران پیش از ازدواج و زمان انتخاب همسر دانسته و بر این امر تأکید دارد که برای داشتن نسلی سالم، باید هنگام انتخاب همسر دقت ویژه‌ای را مبذول داشت؛ تا جایی که در روایت آمده: شقاوت و سعادت فرزند را باید در رحم مادر و نطفه پدر جویا شد.^۱ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛^۲ با خانواده خوب ازدواج کنید؛ زیرا عرق (زن) اثر دارد.»

۲. انعقاد نطفه

در تعالیم اسلامی، آداب فراوانی پیش از انعقاد نطفه در نظر گرفته شده است؛ از جمله رعایت اصول تغذیه، بهداشت جسمی و روانی که هریک به جنبه‌ای از سلامت نسل اشاره دارد. قرآن کریم و روایات بر ضرورت طلب نسل و ذریه پاک و به دور از هرگونه پلیدی تأکید دارد.^۳ روایات فراوانی نیز از جانب ائمه اطهار علیهم السلام آمده که به نوع تغذیه پدر و مادر پیش از انعقاد نطفه، مشروعیت منبع تهیه آن و حتی به زمان، مکان و شرایط هم‌بستری اشاره دارد که نشانگر اهمیت این امر در رشد و شکوفایی استعدادها و پایبندی به باورهای دینی فرزند است.^۴

۳. دوران بارداری

دوران بارداری و زایمان و شیردهی، به‌مثابه سفری جسمانی و روحانی است که مادر و کودک در رابطه‌ای تنگاتنگ و خونی حدود سی ماه به‌عنوان همسر در جاده رشد و معرفت با یکدیگر همراه‌اند.

۱. حسین کوفی اهوازی، الزهد، ص ۱۴: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.»

۲. حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۳. آل‌عمران، آیه ۱۳۸: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً.»

۴. ر.ک: شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۶۲؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۱۷.

در قرآن کریم دوران بارداری از دو جنبه مورد تأکید قرار گرفته است؛ هم از جهت سختی و مشقتی که برای مادر خواهد داشت^۱ و هم از لحاظ مراحل رشد جنین و تکامل آن.^۲ امروزه، بسیاری از شواهد علمی، ثابت‌کننده این مدعاست که حالات روانی و معنوی و حتی محیط جسمانی پیرامون مادر در دوران بارداری، بر خُلقیات جنین تأثیر گذاشته، فراهم‌آورنده علایق، باورها و اعتقادات دینی و پایبندی عملی به آن خواهد شد. پدر نیز در دوران بارداری به صورت غیرمستقیم و با ایجاد محیط روانی و جسمی ایمن برای مادر، در آرامش و تربیت ایمانی و الهی فرزند خویش ایفای نقش می‌کند.

۴. نوزادی

دین مقدس اسلام برای لحظه‌لحظه عمر انسان برنامه‌های خاص تربیتی را تدوین کرده و بر آن است تا انسان بدین وسیله، به بالاترین درجات کمال صعود کند. در این راستا، برای لحظاتی پس از ولادت نوزاد نیز آداب و ویژه‌ای را می‌توان در سیره معصومان علیهم‌السلام مشاهده کرد که تأسی به آن، زمینه‌ساز تربیت شایسته در فرزند خواهد بود؛ آدابی چون: گفتن اذان و اقامه و برخی از سوره‌ها در گوش نوزاد، عقیقه و صدقه، نام‌گذاری نیکو.^۳

۵. شیرخوارگی

قرآن کریم این دوره را تا دوسالگی کودک در نظر گرفته^۴ و تأکید روایات نیز بر آن است که شیر مادر، بهترین غذا برای نوزاد می‌باشد^۵ و بسیاری از خُلقیات، باورها و افکار مادر از طریق شیردهی و از راه خون به کودک منتقل می‌شود.^۶ شیر مادر، علاوه بر مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده نیاز جسمی، از لحاظ روانی و عاطفی نیز نقش سازنده‌ای را در رشد و تربیت دینی کودک ایفا می‌کند؛ چنان‌که در حالات بسیاری از بزرگان،

۱. احقاف، آیه ۱۵: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا.»

۲. مؤمنون، آیه ۱۲-۱۴.

۳. ر.ک: الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۹.

۴. بقره، آیه ۲۳۳.

۵. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۰: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَا مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَغْظَمَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ.»

۶. همان، ص ۱۰۴: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يَعْذِي.»

مانند فقیه نامدار مرحوم شیخ اعظم انصاری نیز آمده که مادر پرهیزکار و پاکدامن ایشان، همیشه با نام خداوند متعال و طهارت، فرزند خویش را از شیر و جودی خود سیراب می‌کردند. به علاوه، مغز کودک در این دوران، مانند دوربین به ضبط و ثبت وقایع اطراف، دیده‌ها و شنیده‌ها می‌پردازد. در نتیجه، این زمان را باید از مهم‌ترین اوقات شکل‌دهی به تربیت دینی به حساب آورد.

۶. مرحله سیادت: ۲-۷ سالگی

همان‌گونه که بیان شد، در مراحل شکل‌گیری تربیت دینی، والدین نباید به هیچ‌عنوان مستقیم و به اجبار فرزند را در جهت یادگیری قرآن، به‌ویژه حفظ آن و یا دیگر اعمال عبادی، وادار کنند؛ بلکه خود باید به‌عنوان الگوهای عملی، شیوه صحیح رفتار و اخلاق دینی را به کودک آموزش دهند. امروزه در روان‌شناسی، این مرحله به دوره پیش‌عملیاتی (پیاژه) و یا مرحله ماقبل تفکر مذهبی (گلدمن) تعبیر می‌شود؛ بدین معنا که کودک تنها محسوسات را درک می‌کند و قادر به تفکر انتزاعی نیست. بنابراین، بایسته است که با بیان ویژگی‌های مخلوقات خداوند و قدرت بی‌پایان او، به کودک درس خداشناسی داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»^۱ فرزند تا هفت سال فرمان‌فرماست، تا هفت سال بنده است و تا هفت سال دیگر، وزیر است.» در این روایت، از هفت سال آغاز زندگی به‌عنوان دوره امیر یا سید بودن کودک تعبیر شده است؛ چراکه در این زمان، کودک خودم‌محور است و توقع دارد که دیگران از او اطاعت کنند. برای کمک به کودک، باید اقتضائات و توانایی‌های او در این سن را در نظر گرفت. در روایات، توصیه‌های فراوانی آمده مبنی بر اینکه فرزند را در این مرحله رها کنید تا به بازی و تجربه‌اندوزی^۲ پردازد و تنها به آموزشی اندک و چند جمله کلیدی^۳ آن هم در سنی خاص بسنده نمایید. همچنین در این دوره، از طریق تشویق رفتارهای شایسته می‌توان کودک را در شکل‌دهی صحیح باورهای دینی یاری نمود.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴.

۲. گروهی از نویسندگان، الأصول الستة عشر، ص ۳۴۲: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ.»

۳. ر.ک: شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۰.

مرحله تثبیت و نهادینه‌سازی باورهای دینی

با اتمام هفت سال آغازین زندگی، کودک پای به مرحله جدیدی از جهت رشد جسمی و روانی گذاشته، از این پس، آموزش آداب و تعالیم دینی به صورت مستقیم، توسط والدین، به ویژه پدر آغاز خواهد شد. اگرچه تا این زمان مادر نقش اساسی را در تربیت دینی فرزند ایفا می‌نمود، از این به بعد، نقش پدر بسیار پررنگ و برجسته جلوه می‌کند.

متأسفانه، امروزه پدران غافل از نقش حساس تربیتی خویش به آموزش فرزندان، در زمینه‌هایی که اهمیت می‌ورزند که نه تنها به حال تربیت و پرورش بُعد روحانی و جسمانی ایشان مفید نیست، بلکه برای آنها زیان‌بخش و آسیب‌زا است. بی جهت نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پدران آخرالزمان لب به شکوه گشوده و فرموده:

«وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضِ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ»^۱

وای بر فرزندان آخرالزمان از ناحیه پدرانشان! پرسیده شد آیا به سبب آنکه مشرک‌اند؟ فرمود: نه، بلکه از پدرانی که مؤمن‌اند و به فرزندانشان چیزی از واجبات دینی را نمی‌آموزند، آنان را از آموختن نهی کرده، به نفع اندکی از دنیا که از فرزندانشان به ایشان می‌دهند، بسنده می‌کنند. پس، من از آنها بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.»

از سوی دیگر، تغییر در سبک زندگی و اشتغال مادران در بیرون از منزل، خود عاملی است که سبب شده کودک برای ساعت‌های متمادی به مهد سپرده شود و از آغوش پر مهر مادر و آرامش خانه و مهارت‌آموزی توسط دلسوزترین پرستار (مادر)، بی‌بهره باشد.

به علاوه، ورود وسایل ارتباط جمعی و قرارگرفتن در ردیف با اهمیت‌ترین و تأثیرگذارترین عضو خانواده و نیز دیوار سر به فلک کشیده دنیای مجازی حایل بین افراد خانواده (موبایل، تبلت، اینترنت و کامپیوتر) و استفاده بی ضابطه از این وسایل و در دسترس کودکان بودن، جملگی سبب کم‌رنگی روابط عاطفی بین اعضای خانواده شده و به دلیل استفاده بیجا و نامناسب، آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی و جسمی به کودک تحمیل خواهد شد؛ خطراتی چون: ضعف بینایی،

۱. شعیری، جامع‌الآخبار، ص ۲۸۵.

مشکلات عصبی، فاصله گرفتن از دنیای واقعی، انزوا، عدم اعتماد به نفس، آسیب به مهره‌های گردن و توانایی کلامی، شور و شوق اجتماعی، میزان تمرکز و روابط عاطفی کودکان. امروزه، دشمنان اسلام با شیخون فرهنگی و جنگ نرم به وسیله ماهواره و شبکه‌های مجازی، نه تنها نسل امروز و جوانان، که والدین و آموزه‌های دینی و اخلاقی ایشان را نیز مورد هدف قرار داده‌اند و با اجرای سیاست‌های خصمانه، بی‌هویتی، خودباختگی، بی‌بندوباری و فرهنگ برهنگی و بی‌قیدی را به سوی خانواده‌های ایرانی گسیل نموده‌اند. تنها راه فرار از این جاده گمراهی، آگاهی از عواقب شوم پیمودن این راه بیراهه و پناه بردن به آموزه‌های دینی و تمسک به سیره و روش ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

احساس اضطراب و ناامنی روانی، پوچ‌گرایی، بدبینی و یأس، استفاده ابزاری از واژه اخلاق و انسانیت، بی‌اعتمادی و گرایش به رذایل اخلاقی و بزهکاری در جامعه و تیرگی روابط فردی، بخشی از رهاورد بی‌دینی و عدم تربیت دینی است.

آنچه تا کنون بیان شد، تنها گوشه‌ای از آسیب‌های بسیاری است که عدم دین‌داری و پایبند نبودن به آموزه‌های وحیانی، به وجود آورنده آن است و پیشگیری از این آسیب‌ها میسر نیست، مگر با پایبندی عملی از سوی والدین و کوشش جدی ایشان برای تربیت و تعمیق باورهای دینی در فرزندان.

به طور کلی، می‌توان تثبیت و نهادینه‌سازی باورهای دینی را در دو مرحله پیگیری نمود:

۷. مرحله اطاعت: ۷-۱۴ سالگی

با افزایش توانایی‌ها و قابلیت‌های کودک از جهت جسمی و ذهنی، دوره‌ای دیگر از مراحل رشد وی آغاز می‌شود؛ دوره‌ای که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن به دوران عبد بودن یاد می‌کند.

این مرحله، نخستین و رسمی‌ترین زمان آموزش به فرزند به حساب می‌آید. چهارده قرن پیش از این، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این دوره را به‌عنوان بهترین زمان تربیت مستقیم قرآن، دعا و نماز و دیگر آداب معرفی کرده است؛ چراکه نه محدودیت‌های دوره قبل (سیادت) را دارد و نه سرکشی‌ها و

۱. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۸، ص ۶۵۱: «وَيَتَعَلَّمُ الْكُتَابَ سَبْعَ سِنِينَ.»

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَمَرُّوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ.»

تحولات عاطفی و جسمی دوره بلوغ را. ازاین‌رو، در روایات نیز تأکید بر آن است که فرزند در کودکی تحت آموزش و تعلیم علم و آداب دین قرار گیرد؛ «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^۱ یادگیری در کودکی، مانند نقشی است که بر سنگ حک می‌شود [و باقی می‌ماند].»
 استفاده صحیح از ابزار تنبیه نیز در صورت تکرار اعمال ناشایست فرزند، در این سن و برای اطاعت هرچه تمام‌تر تجویز شده است. بدین وسیله، تربیت دینی عمیق در تاروپود شخصیت فرد ریشه می‌گستراند و بدون تردید، در این مرحله نقش صلابت و جدیت پدر، به‌ویژه در تربیت اولاد پسر، بسیار برجسته و حایز اهمیت است.

۸. مرحله وزارت: ۱۴-۲۱ سالگی

پس از گذار از مرحله اطاعت، فرزند با دوران بلوغ مواجه خواهد شد؛ مرحله‌ای که در آن، فرد دچار تحولات عاطفی و هیجانی و جسمانی سریع و جهشی شده، انقلابی را هم از لحاظ جسمی، به‌ویژه جنسی، و هم از نظر روانی در وجود خویش تجربه می‌کند.
 در این دوره، استقلال‌طلبی شخص به اوج خود رسیده، به تبع آن، دوره اطاعت محض فرد رو به پایان می‌رود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این دوره را زمان وزارت برشمرده‌اند. وزیر، فردی است که در بسیاری از مشکلات به‌عنوان تکیه‌گاه مورد شور قرار گرفته، نیازمند تأیید و به‌حساب آمدن از سوی دیگران است.

با اینکه نوجوان بسیاری از تکالیف شناختی را بهتر از زمان کودکی انجام می‌دهد، ولی وقتی می‌خواهد تصمیم‌هایی را بگیرد، اغلب به‌صورت منطقی فکر نمی‌کند. چون بزرگسالان بهتر از نوجوانان تصمیم می‌گیرند و نکات بیشتری را مورد توجه قرار می‌دهند، منافع و مخاطره‌های هر گزینه را سبک و سنگین کرده، راهنمایی گرفتن و مشورت با دیگران را به نوجوانان توصیه می‌کنند.^۲

با توجه به رشد تفکر انتزاعی و قوه استدلال در نوجوانی، تربیت دینی نوجوان باید همراه با توصیه و استدلال باشد تا بتوان پاسخ قاطع و روشنی را به شبهات احتمالی داد و بر رفتار او نظارتی سنجیده را اعمال نمود؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام در این باره به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

۱. محمد کراچکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. لورا برک، روان‌شناسی رشد، ج ۲، ص ۴۶.

«فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَفَهُمٍ وَتَعَلُّمٍ لَا يَتَوَرَّطُ الشُّبُهَاتِ؛^۱ پس، تلاش کن تا درخواست‌های تراز روی درک و آگاهی باشد؛ نه آنکه به شبهات روی آوری.»

در این راستا، والدین یا از توان فکری و علمی لازم برخوردار بوده و قادر به استدلال صحیح و یاری فرزند خویش هستند و یا اینکه از انجام چنین عملی ناتوان‌اند که در این صورت، نخست باید به یادگیری مبادرت نموده، فرزند خویش را نیز با عالمی آگاه و عامل مرتبط سازند تا بدین وسیله، از وظایف خویش آگاه گردد و دستورات دین را عمل نماید.

بایسته‌های رفتاری خانواده در انتقال باورهای دینی

۱. محبت

جایگاه محبت در تربیت و آموزش باورهای دینی، به‌گونه‌ای است که انسان را بنده احسان و نیکی^۲ معرفی کرده‌اند. محبت، سبب درون‌سازی رفتار فرد شده، باعث می‌شود او تا سرحد بندگی پیش برود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛^۳ به‌واسطه رحمت خداوند، نرم خوش‌شدی و اگر تندخو بودی، مردم از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.» این آیه، بیانگر آن است که محبت و نرم‌دلی، دارای جاذبه‌ای است که سبب پذیرش منطق و استدلال شده، پایه و اساس تعلیم و تربیت و به‌ویژه باورهای دینی به‌شمار می‌آید. بنابراین، محبت از سوی پدر و مادر، به‌عنوان کارآمدترین سلاح تربیتی، نقش مهمی را در شکل‌دهی به شخصیت و باورهای دینی فرزند ایفا می‌کند. عدم ابراز محبت صحیح و بجا، سبب خواهد شد که انسان در معرض هرگونه انحراف و فساد قرار گیرد. به عقیده بسیاری از دانشمندان، بیشتر تندخویی‌ها، خشونت‌ها، لج‌بازی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، اعتیادها، افسردگی‌ها، گوشه‌گیری‌ها، ناامیدی‌ها و ناسازگاری‌های افراد، نتیجه عقده حقارتی است که در اثر محرومیت از محبت به وجود آمده است. در اثر این عقده حقارت، ممکن است فرد به دزدی، قتل نفس و یا طغیان دست بزند تا از پدر و مادر و مردمی که او را دوست ندارند، انتقام بگیرد؛ حتی ممکن است خودکشی کند تا از وحشت دردناک محبوب

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. علی لیلی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۶۱: «الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ.»

۳. آل عمران، آیه ۱۵۹.

نبودن نجات یابد.^۱ البته محبت باید بجا بوده، مصادیق آن متناسب با سن و شرایط فرزند باشد و باید از افراط و تفریط در این زمینه جلوگیری شود.

۲. تکریم

خداوند متعال به عنوان اولین مربی انسان می فرماید: «به یقین، فرزندان آدم را کرامت دادیم.»^۲ و این، خود بیانگر اهمیت تکریم مربی در مقام تربیت است و ارضای این نیاز از سوی مربیان تربیت، صحیح و خداپسندانه به شمار می آید. تکریم فرزندان از سوی والدین، سبب خواهد شد که کودک به شخصیت و ارزش واقعی و والای خویش پی ببرد و بنا بر فرمایش امیرمؤمنان، علی علیه السلام، چنین فردی خود را با گناه خوار نمی کند.^۳

عزت و اعتماد به نفس، از دیگر آثار احترام و تکریم فرزند است که خود مانعی در برابر ناهنجاری های روانی و میل به بزهکاری و اعتیاد و شخصیت ضد اجتماعی او خواهد بود. احترام و تکریم فرزند از سوی والدین، دارای چنان تأثیری است که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده:

«أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛^۴ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیت کنید که موجب مغفرت شماست.»

۳. الگوی عملی بودن

پدر و مادر، به عنوان الگویی عملی، نقشی کلیدی را در رفتار و باورهای فرزند ایفا می کنند. والدین بیشتر اوقات در تیررس مشاهده اند و فرزند با الگوبرداری و تقلید از رفتارهای ایشان، بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می آموزد؛ برای نمونه، در زندگی گهربار امام حسن علیه السلام آمده که ایشان دوبار تمامی اموال خویش و سه بار نیز نصف آن را در راه خدا انفاق نمود.^۵ ریشه این رفتار را باید به دلیل الگوبرداری از پدر و مادری چون امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام یافت؛ آنجا که سه روز متوالی پس از روزه دار بودن، افطار خویش را به مسکین و یتیم و اسیر انفاق

1. <http://pajoohe.ir>

۲. اسراء، آیه ۷۰.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم ودررالکلم، ص ۶۷۷: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ.»

۴. حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۱۸.

۵. علی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۶۷.

کردند و بدین سان، راه سعادت‌مندی را به فرزندشان آموزش دادند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام درباره تأثیر رفتار عملی در تربیت می‌فرماید: «إِنَّ الْوَعظَ الَّذِي لَا يَمُجُّهُ سَمْعٌ وَلَا يَعْدِلُهُ نَفْعٌ مَا سَكَتَ عَنْهُ لِسَانُ الْقَوْلِ وَنَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْعَقْلِ؛^۱ پندی که هیچ گوش‌ی آن را بیرون نیفکنده و هیچ نفعی با آن برابر نبوده، پندی است که زبان گفتار از آن خاموش، و زبان عقل بر آن گویاست.»

۴. توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط سنّی

یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی، به‌ویژه تربیت دینی، در نظرگرفتن تفاوت‌های فردی و همچنین اقتضائات سنّی است. بنا بر آنچه تا کنون بیان شد، فرزند در هر یک از مراحل رشد، دارای قابلیت‌ها و محدودیت‌های خاص آن دوره بوده و اعمال تربیت نیز باید بر اساس این امور باشد. پس، والدین باید با کسب آگاهی از ویژگی‌های هر مرحله از رشد، اصول تربیتی متناسب را لحاظ کرده، از هرگونه افراط و تفریط در زمینه تربیت دینی که سبب آسیب به باورها و اعتقادات و شخصیت فرد خواهد شد، پرهیزند.

۵. تشویق و تنبیه

تشویق، به معنای بر سر شوق آوردن فرد برای انجام عمل، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی است که بارها در قرآن کریم و روایات مورد اشاره قرار گرفته و از مؤثرترین روش‌ها در تثبیت اعمال پسندیده در تمامی مراحل زندگی، به‌ویژه اوایل کودکی به شمار می‌آید. قرآن کریم نیز در موارد متعددی و به روش‌های گوناگون با ایجاد انگیزه، بندگان را به انجام واجبات ترغیب کرده است. آیاتی که به توصیف بهشت و نعمت‌های آن پرداخته، نمونه واضحی از استفاده این اصل در تربیت دینی است.

امیر مؤمنان علیه السلام با اشاره به این اصل تربیتی می‌فرماید: «(أَزْجُرِ الْمُسِيءَ بِشَوَابِ الْمُحْسِنِ؛^۲ با پاداش دادن به نیکوکار، بدکردار را از عمل خویش باز دار.)» بنابراین، تشویق، در ترغیب رفتارهای پسندیده به صورت مستقیم و ترک اعمال ناپسند به صورت غیرمستقیم، ایفای نقش می‌کند. از دیگر سو، تنبیه نیز به معنای آگاه‌سازی و متوجه‌نمودن فرد از زشتی عملی است که مرتکب

۱. محمد لیبی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۱۴۱.

۲. شریف رضی، خصائص الأئمة علیهم السلام، ص ۱۱۰.

شده است. این اصل تربیتی، دامنه وسیعی را از عدم تأیید تا مجازات بدنی دربرمی‌گیرد؛^۱ ولی نباید به هیچ وجه، از حدومرز لازم فراتر برود و وسیله‌ای برای تشفی خاطر و اعمال خشونت و ارضای حس انتقام‌گیری باشد. تنبیه، به‌ویژه در تربیت دینی، باید از چنان ظرافتی برخوردار باشد که سبب آگاهی فرد از وظایفش و عدم تکرار رفتار نامطلوب شود.

سعدی شیرازی در باره نقش تربیتی تشویق و تنبیه، به‌ویژه در کودکی، می‌گوید:
 خردمند و پرهیزکارش برآر گرش دوست داری بنمازش مدار
 به خردی درش زجر و تعلیم کن به نیک و بدش وعده و بیم کن

برای نتیجه‌گیری بهتر از تشویق و تنبیه، بایسته است برخی نکات، از جمله: تناسب با عمل، ظرفیت وجودی فرد، روشن بودن دلیل اعمال آن و عدم تأخیر در تشویق و تنبیه، رعایت شود. برای نمونه، در دوره سیادت (۲ - ۷ سالگی)، رهاکردن کودک به معنای آزادی مطلق و عدم محدودیت و نظارت‌نداشتن بر رفتار کودک نیست؛ بلکه بدین معناست که نباید کودک به طور مستقیم مورد مؤاخذه و تنبیه قرار گیرد و از آنجا که بیشترین میزان یادگیری، از طریق دیدن و الگوبرداری از رفتار والدین صورت می‌پذیرد، اهتمام به انجام تکالیف دینی از سوی والدین، بهترین روش برای تعمیق باورهای دینی فرزند است.

۶. استمرار

تربیت دینی، امری تدریجی است که در آن باید مرحله‌به‌مرحله و همگام با مراحل رشدی فرزند، روشی درست و حساب‌شده را در پیش گرفت و از تندروی و کندروی جلوگیری کرد و با آهنگی یکنواخت، ولی همیشگی، این مسیر را طی کرد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ أَوْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ»^۲ اندک پایدار، بهتر است از بسیار خسته‌کننده. «رهر و آن نیست که گه تند و گهی خسته رود رهر و آن است که آهسته و پیوسته رود»

سخن آخر: آنچه تا کنون بیان شد، مهم‌ترین اصولی بود که بایسته است در امر تربیت و نهادینه‌سازی باورهای دینی، بدان توجه کامل نمود. شایان ذکر است که سرآغاز تربیت، به‌ویژه تربیت دینی را باید سال‌ها پیش از تولد فرزند در نظر گرفت و والدین با مؤدب ساختن خویش به

۱. ر.ک: محمدرسول آهنگران، محدوده مجاز تنبیه بدنی کودکان از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۶.

آداب و تعالیم دین، فرزندان را در پیمودن این راه پُرفرازونشیب یاری دهند و بدون تردید، این مهم حاصل نخواهد شد، مگر با صبر و استقامت، همراهی و همگامی والدین با یکدیگر، رعایت عدالت بین فرزندان و نظارت شایسته و متناسب با حالات و شرایط سنّی و روحی فرزندان. بدون شک، آنچه ناملايمات و سختی‌های این راه جانکاه را گوارا می‌سازد، مصونیت فرزندان از هر نوع آسیب اخلاقی و مقاومت در برابر انحرافات و تربیت فرزند صالحی است که چون صدقه‌ای جاریه در پرونده اعمال پدر و مادر خواهد درخشید.